

بازآفرینی فضای شهری کهن با رویکردی زیباشناختی (نمونه مطالعاتی: محله برج قربان همدان)^۱

زهرا کمری*، سجاد زلفی گل**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۲۷

چکیده

توجه به بافت‌های فرسوده و کهن و رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی و محوری تبدیل شده و نهادها و سازمان‌های مسئول را به تکاپوی حل آن واداشته به‌طوری‌که آنان را به بازآفرینی بافت‌های مذکور سوق داده و لزوم مداخله در این بافت‌ها را در بازه‌های مختلف زمانی مطرح نموده است. بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی متأخر در حوزه «مرمت و حفاظت شهری» یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که دغدغه احیا و رفع مشکل بافت‌های نابسامان را داراست. بازآفرینی شهری به‌عنوان سیاستی جامع در مواجهه با چالش‌های روبروی مدیران و برنامه ریزان شهری شرایطی را ایجاد می‌کند که علاوه بر مداخلات کالبدی، برنامه‌های اجتماعی را نیز در رأس کار قرار بدهند. توجه به ناکارآمدی بافت‌های کهن، تلاش تزریق روحی دوباره در این مناطق و فراهم آوردن شرایطی برای حضور و مشارکت همگان در فرآیند آن، از اهداف ارزشمند این رویکرد است. این پژوهش درصدد یافتن اصولی است که بازآفرینی شهری را مطابق با اصول زیبایی‌شناختی به کار گیرد تا اثری کارا و پایدار را از خود به‌جای بگذارد و علاوه بر حفاظت از بافت کهن، خوشایندی بصری را نیز با خود به همراه بیاورد تا هرچه بیشتر بر جذابیت و حس تعلق افراد ساکن در محله بیفزاید. احیای فضای شهری کهن موجب بازیابی هویت بافت پیرامون آن شده و حس مکان را در استفاده‌کنندگان آن برمی‌انگیزد.

واژگان کلیدی

بازآفرینی شهری، فضای شهری کهن، زیبایی‌شناسی، هویت

* عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

** کارشناس شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۱- این مقاله برگرفته از طرح نهایی دوره کارشناسی مهندسی شهرسازی نویسنده دوم سجاد زلفی گل با عنوان بازآفرینی فضای شهری کهن با رویکردی زیبایی‌شناختی، مطالعه موردی محله برج قربان، در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌باشد که با راهنمایی سرکار خانم مهندس زهرا کمری بهار ۹۳ به انجام رسیده است.

مقدمه

فرآیند توسعه شهر و روند تغییرات بافت به‌ویژه در مناطق تاریخی و مرکزی شهرها دستخوش ایده‌های متنوعی در قرن اخیر بوده است. موضوع بسیار مهمی که در مواجهه با این بافت‌ها وجود دارد، توجه به احیای آنها با اصل قرار دادن توجه به ساکنین و نیازهای افرادی است که ارتباط مکانی و تاریخی با فضا داشته و یا می‌توانند برقرار سازند. درعین حال زندگی در محیط‌های تاریخی و بافت‌های کهن، به همان میزان که نیازمند هم احساس بودن با رخدادهای، خاطره‌ها و ریشه‌هاست، نیازمند اعتقاد به بروز تغییراتی نو در آنهاست. بازه برخورد با این مشکلات استفاده از رویکردهای متفاوت در امر برطرف ساختن چنین بافت‌هایی است. این برخوردها گاه به صورتی است که منجر به از بین رفتن میراث بس عظیم و باارزش در شهرها به دلیل عدم توجه و حفاظت از آن رخ می‌دهد. اما امروزه نتایج حاصل از مطالعات و تجربه‌های به‌دست‌آمده در برخی موارد در دسترس نشان می‌دهد که حفظ تک بناها و توجه صرفاً مقدس مأبانه به میراث کهن نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای زندگی امروز باشد. آنچه مهم است، وجود جریان زندگی است که با نیازها و ویژگی‌های خاص خود بتواند در کالدهای کهن اتفاق افتد (حناچی و دیگران، ۱۳۸۶). بازآفرینی شهری سیاستی جامع، دربرگیرنده برنامه ارتقای کیفی بافت‌های شهری با اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تنها به تغییرات کالبدی نمی‌اندیشد و تغییرات اجتماعی را نیز تأکید می‌نماید. بازآفرینی شهری هم جذابیت فضاهای شهری از طریق مرمت عناصر موجود و ایجاد عناصر کالبدی جدید و هم تلفیق انواع فعالیت‌های رسمی و تعریف‌شده با فعالیت‌های غیررسمی اشاره دارد. بازآفرینی شهری با دخالت آگاهانه در بافت شهری برای جلوگیری از فرسایش و سعی در معاصر سازی آن دارد. معاصر سازی فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضائی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن حفظ شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را به فضای قدیم نیز به نمایش می‌گذارد و این معنی در شعار معروف یونسکو "آینده برای گذشته" مستتر است و حفظ هویت امروز شهرها نیز از همین مسیر می‌گذرد (حناچی، ۱۳۸۴). بر این اساس، در سال‌های اخیر در ایران نیز مطالعاتی در خصوص بازآفرینی شهری صورت گرفته است (به طور مثال ر. ک. به: ایزدی، ۱۳۸۰؛ صحنی زاده، ۱۳۸۴؛ حناچی، ۱۳۸۴؛ لطفی، ۱۳۸۹؛ امین زاده، ۱۳۹۱) که به نوبه خود نشان می‌دهد اخیراً توجه به این موضوع در اولویت پژوهشی قرار گرفته است. در خصوص مطالعات زیبایی‌شناختی نیز تلاش‌هایی شده است (به طور مثال ر. ک. به: مهدیزاده، ۱۳۸۵؛ بهزاد فر، ۱۳۹۱؛ کریمی مشاور، ۱۳۹۲).

مواد و روش‌ها

خط‌مشی کلی این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز به وسیله دو روش پیمایش میدانی و توزیع پرسشنامه محدود بین متخصصین جمع‌آوری شده است که از طریق مطالعات نظری پیرامون مبانی نظری به اصول و چارچوب موردنظر دست می‌یابد و با رویکرد کیفی سعی در به کار بستن اصول تبیین شده در امر طراحی در جهت سؤال و فرضیه‌های تحقیق است. در این تحقیق سعی بر این است تا با استفاده از اطلاعات بستر پروژه و محیط و بافت پیرامون و اصول و دستورالعمل‌های طراحی خاص برخورد با موضوع تحقیق با بهره‌گیری از شیوه تحلیل کیفی به نتایج نهایی در به کار بستن در امر طراحی دست پیدا شود.

مبانی نظری

سه دهه آخر قرن بیستم، با جریانی در «مرمت و حفاظت شهری» همراه است که آن را در وهله اول می‌توان «تجدید نسل شهرها» نام نهاد. باید گفت که «تجدید نسل شهرها» قبل از آنکه تبدیل به شعاری در دست شهرسازان نسل نو بشود، ریشه در عوض شدن خود نسل شهروندان، و به تبع آن شهرسازان دارد (لطفی، ۱۳۹۰، ۷۶). در ادبیات اخیر دنیا بازآفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می‌شوند که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند. (حبیبی، مقصودی، ۱۳۸۶). بر اساس نتایج تحقیق استور (۱۹۸۹) و لچفیلد (۱۹۹۲) بازآفرینی شهری رویکردی تکامل‌یافته‌ای از نوسازی بافت شهری است که به ورای اهداف، آرمان‌ها و دست‌یافته‌های بازسازی‌های کلان‌مقیاس دهه پنجاه، باز زنده سازی و بهسازی‌های دهه هفتاد و توسعه‌های مجدد دهه هشتاد میلادی با تأکید بر توسعه املاک و مراکز تجاری رسیده است (روبرت، ۲۰۰۰). روبرت (۲۰۰۰) پس از بررسی سیر تحول دیدگاه‌ها و برنامه‌های نوسازی شهری، تعریفی جامع از بازآفرینی شهری به شرح زیر ارائه می‌کند:

"بازآفرینی شهری نگرش و کنشی است جامع و مانع برای حل مشکلات شهری منطقه‌ای هدف عملیات، که درنهایت به یک پیشرفت پایدار اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید."

این تعریف حاوی تمامی ویژگی‌های اساسی بازآفرینی شهری است. بر اساس این تعریف می‌توان اصول و مبانی بازآفرینی شهری که منعکس‌کننده چالش‌های تغییر و تحولات شهری و نتایج آن باشد را به شرح زیر معرفی کرد:

- مبتنی بر یک تحلیل کامل از منطقه شهری موردنظر بوده و در پی اصلاح همزمان ساختار فضایی کالبدی بافت، ساختار اجتماعی، پایه‌های اقتصادی و شرایط محیطی آن منطقه باشد
- در جهت رسیدن به اصلاح همزمان، از یک استراتژی جامع و کامل استفاده کند، و با راه حل‌های دقیق و از پیش معلوم شده، قطعی و علمی با مشکلات روبرو شود
- در پی مشارکت حداکثری و همراهی تمامی ذی نفعان باشد.
- دارای اهداف عملیاتی واضح و مشخص، قابل بسط به مکان مختلف و دارای کیفیت مطلوب باشد
- به‌ضرورت تجدید نظر در برخی از برنامه‌های تصویب شده اولیه، در مرحله اجرا در پی برخی تغییرات و رخدادهای پیش‌بینی‌نشده واقف باشد (روبرت، ۲۰۰۰).

انواع رویکردهای بازآفرینی شهری عبارتند از:

- بازآفرینی از طریق توسعه
- بازآفرینی از طریق حفاظت
- بازآفرینی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی
- بازآفرینی با تکیه بر کاربری‌های مختلط فرهنگی، هنری، ورزشی و غیره.
- در عصر حاضر درک رو به افزایشی از هنر، فرهنگ و اوقات فراغت مبدل به جزء مهمی از سیاست‌های بازآفرینی شهری است. استفاده از محرک‌های توسعه به‌ویژه اجرای پروژه‌های فرهنگی و هنری، راه‌اندازی فستیوال ادبی- سینمایی، مدیریت رویدادهای ورزشی، هدایت صنعت جهانگردی و توجه به برنامه‌های گذران اوقات فراغت به عنوان محور اصلی برنامه‌های بازآفرینی شهری شناخته شدند (ایزدی، ۱۳۹۰).

جدول ۱: بازآفرینی (حناچی، ۱۳۸۶)

Regeneration	واژه
بازآفرینی و معاصر سازی تجدید نسل و از نو سر برآوردن نو شدن و به‌روز شدن	معنای لغوی (معدل)
خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضائی (کالبدی-فعالیتی) قدیم شباهت‌های ظاهری و تفاوت‌های رفتاری - هنجاری ارائه شخصیت و هویت متفاوت	معنای مفهومی (تعریف)
بازآفرینی بافت با حفظ ارزش‌های کهن بافت بهسازی، نوسازی و بازسازی شخصیت و هویت مستقل یافتن	هدف
حفظ ویژگی‌های ارزشی بافت کهن خلق ویژگی‌های جدید و متناسب با نیاز روز بازآفرینی تعریف مجدد ارزش‌های کهن برای پاسخگویی به نیاز معاصر	اصول
مستمر مقطعی و بلند مدت	زمان اقدام

محورهای مورد تأکید سیاست‌های بازآفرینی شهری نیز عبارتند از:

- تأکید بر همکاری نیروهای محلی با بخش خصوصی و گروه‌های داوطلب
- توجه بیشتر به حفاظت از محیط‌های تاریخی و نقش ساختارهای تاریخی
- استفاده از هنر، فرهنگ و گذران اوقات فراغت به عنوان محرک‌های برنامه‌های تجدید حیات شهری
- تأکید بر مشارکت گروه‌های اجتماعی در این فرآیند
- ایجاد همبستگی و یکپارچگی میان کلیه نقش‌آفرینان شهری و سایر گروه‌های ذی‌نفع بر مبنای مشارکت

— پرهیز از ساخت‌وسازهای تک عملکردی و تشویق ساخت پروژه‌ها با کاربری‌های متعدد و مختلط

— توجه به اقدامات و برنامه‌های کیفی به موازات اقدامات کمی

— تاکید برافزایش اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی، تامین امکانات اجتماعی و آموزش به‌جای نوسازی‌های صرفاً فیزیکی

— انتقاد از درگیری بیش از اندازه دولت در امر توسعه

— توجه به تنظیم مجدد طرح‌ها و برنامه‌ها بر اساس اصول توسعه پایدار

متأسفانه ارتباط برقرار کردن بین مرمت و احیاء شهری از یک طرف و بعد اجتماعی، فرهنگی و هویتی بافت‌های کهن شهری از طرف دیگر مقوله‌ایست که اغلب طراحان و مهندسان مشاور بدان توجه نمی‌کنند و تبع آن تولید فضای شهری به عنوان بستر کالبدی مناسب برای تعاملات اجتماعی مردم، در این گونه بافت‌ها نادیده انگاشته می‌شود. در نظر گرفتن فضاها و بستر کالبدی مناسبی که با استفاده از آن بتوان مفاهیمی مانند هویت تاریخی، حس مکان، ادراک، خوانایی و تعلق به محیط را برای ساکنان این بافت‌ها حفظ، تقویت یا ایجاد کرد، باعث ناکارآمدی طرح‌های احیاء از جنبه‌های بازآفرینی این ارزش‌ها در مرمت بافت‌های قدیمی گردیده است. بسیاری از بافت‌های تاریخی کشورمان دارای فضاهای شهری بارز می‌اند که مفاهیمی مانند زندگی جمعی و حیات مدنی را در تاریخ خود به نمایش گذاشته‌اند، اما در حال حاضر قسمت‌های زیادی از مرکز شهرها و اندام‌های تاریخی آن‌ها، که جایگاه مناسبی برای فعالیت‌های جمعی به حساب می‌آیند، رو به فرسودگی‌اند (سرور و خزاعی، ۱۳۸۷، ۱۸). امروزه در نتیجه فقدان فضاهای شهری گذشته "انسجام فضایی و تداوم ساختاری بافت از بین رفته و تداوم آن در قسمت‌های توسعه‌یافته‌ی جدید بی‌رنگ شده است. در نتیجه، پیوند فضایی- کارکردی و سیمایی میان بافت قدیم با بخش‌های توسعه یافته‌ی شهر دیگر وجود ندارد" (ایزدی، ۱۳۸۰). بافت‌های کهن شهری مستلزم توجه و ارزش نهادن بیشتر و طرح‌های بخردانه هستند به گونه‌ای که احیاء دوباره آن‌ها را مهیا سازند و کانون توجهات مردم را به خود جلب نماید تا دیگر محلات کهن و قدیمی شهری بالندگی خود را از دست نداده و دست خوش فرسودگی نشوند. ایجاد فضای شهری در مرمت و بافت‌های قدیمی جهت بازآفرینی ارزش‌های گذشته در کنار پاسخ گویی به ارزش‌های امروزی می‌بایست به اهداف زیر دست یافت:

- ۱- معاصر سازی بافت به وسیله رفع مشکلات و استفاده از توانمندی‌های آن .
- ۲- بازآفرینی و احیاء اجتماعی - کالبدی این بافت بر اساس آفرینش کالبد جدید با حفظ ارزش‌های کهن.
- ۳- جذب و تقویت حضور مردم و ابقاء ساکنین این گونه بافت‌ها به وسیله ایجاد محیط‌های خاطره انگیز و حفظ و تقویت عناصر هویت بخش و با ارزش‌های موجود در بافت.
- ۴- ترغیب حس مشارکت ساکنان بافت برای همکاری در پروژه بازآفرینی جهت استفاده از نظرات مثبت آنان

تاریخچه زیبایی‌شناسی

لغت زیباشناختی (استتیک) در اصل یونانی است و به معنی ادراک است. علم زیباشناختی به معنی وسیع کلمه به بررسی روش‌های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می‌پردازد (پاکزاد و همایون، ۱۳۷۵، ۹۴).

در فرهنگ "اصطلاحات فنی و نقادانه فلسفی" لالاند زیبایی‌شناسی دو معنا در بر می‌گیرد:

- ۱- هر آنچه به زیبایی مرتبط باشد و هر آنچه منش زیبایی را تعریف کند.
 - ۲- علمی که موضوعش داور و ارائه حکم، درباره تقوت میان زیبا و زشت باشد (بهزاد فر و دیگران، ۱۳۹۱، ۷۱).
- در لغت نامه دهخدا زیبایی‌شناسی شناختن زیبایی و رشته‌ای از زوان شناسی است که هدفش شناساندن جمال و هنر است (لغت نامه دهخدا، ۵۹۹).

اولین کسی که به زیبایی‌شناسی به طور غیرمستقیم اشاره کرده "افلاطون" است. از نظر وی نظمی مابعد الطبیعی و اخلاقی بر جهان حاکم است که فیلسوف باید آن را از طریق تفکر عقلانی کشف کند و هنر هنگامی ارزش حقیقی دارد که این نظم را دقیقاً نشان دهد یا به ما کمک کند که در جریان آن قرار بگیریم (کلی، ۱۳۸۳). در زمان "ارسطو" برای اولین بار واژه زیبایی‌شناسی تا حدی شبیه به معنای امروزی آن مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این دوره واژه زیبایی‌شناسی به کار برده می‌شد این واژه هم بر احساس و هم بر ادراک حسی دلالت می‌کرده و به طور کلی ادراک از طریق حواس، معنا می‌داده است. در واقع ادراک حسی واژه‌ای است که در آن دوران در برابر دریافت عقلانی قرار داشته است. این نوع نگاه به اشیاء شامل تقسیم بندی آنها به دو نوع ادراک حسی و دریافت عقلانی است (کریمی مشاور، ۱۳۹۲، ۴۷).

دانش زیبایی‌شناسی در محیط شهری از رویکرد پرداخت به سازمان بصری و شکل شهر به رویکرد سازماندهی کیفیت محیط شهری روی آورده است. بررسی مفهوم زیبایی‌شناسی مشخص کرد که این مفهوم به طور کل از دو جنبه عین و ذهن قابل بررسی است. عوامل و معیارهای مؤثر در کیفیت محیط شهری بسیار متنوع هستند که می‌توان به سه گروه اصلی کیفیات کارکردی، کیفیات اجتماعی و کیفیات

زیبایی‌شناختی تقسیم کرد. در عین حال باید گفت که زیبایی‌شناسی شهری فرآیندی است مستتر، درحال رشد و تغییر که با روانشناسی، فلسفه، هنر، فرهنگ، هویت، دانش، بینش، زمان و کارکردهای مختلف ارتباط داشته و ظهور پیدا می‌کند، لذا زیباسازی، فرآیند توسعه ویژگی‌های بصری است که در فضاهای شهری صورت می‌گیرد (آرایش و پیرایش چهره شهر). جنبش زیبایی‌شناسی شهری رویکرد پیشرفته‌ای است که نه تنها به خاطر زیبا نمودن، بلکه ترجیحا به معنای ابزار کنترل اجتماعی از طریق راضی نگه داشتن جمعیت شهری و پاسخگویی به نیاز آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. دانش زیبایی‌شناختی و کیفیت بصری در دنیای امروز عبارت است از: آشنایی با اصول کیفی زیبایی‌شناسی و مبانی هنرهای تجسمی، مانند نفاهم زیر: رنگ، فرم، بافت، نور و سایه، اغتشاش و پیچیدگی، قوانین سادگی آرایش ساختاری، ارتباط کل به جزء، سبک شناسی و قواعد طراحی، تناسبات، هماهنگی با محیط اطراف، طراحی منطقی و خلاقیت و نوآوری (بهزاد فر و دیگران، ۱۳۹۱، ۷۹).

دیدگاه‌های اساسی در زیبایی‌شناسی شهر

الف- دیدگاه صرف زیباشناختی: این دیدگاه به شهر چون یک پدیده هنری و یک اثر معماری می‌نگرد و خواهان بازگشت به مبانی و ارزشهای کهن معماری است.

ب- دیدگاه عملکردی: این دیدگاه، به تامین هرچه بیشتر نیازهای مبرم زیستی و کالبدی شهر نظر دارد و به دلایل مختلف، کمتر به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی زندگی شهر توجه نشان می‌دهد.

ج- دیدگاه کیفیت محیط زندگی: بر اساس این دیدگاه زیبایی یکی از عناصر لازم برای کیفیت زندگی و کیفیت محیط است و بنابراین باید رویکردهای جامع‌تر و روشهای کارآمدتر برای پاسخگویی به نیازهای محیطی (کارکردی، اجتماعی و روانی) پیدا کرد (مهدی زاده، ۱۳۸۵، ۸).

رویکردها در زیبایی‌شناسی شهری

اما زیبایی‌شناسی در مباحث مرتبط با شهر از دیدگاههای دیگری قابل بررسی است. همان طور که اشاره شد یکی از آنها تقابل دو رویکرد عینی و ذهنی به این موضوع است. آنچه در ادامه به عنوان چهار رویکرد در زیبایی‌شناسی شهری اشاره می‌شود، مواردی است که در ادبیات متون در رابطه با زیبایی‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است: زیبایی‌شناسی کالبدی؛ زیبایی‌شناسی روان شناسانه؛ زیبایی‌شناسی کارشناس محور؛ زیبایی‌شناسی مردم محور.

زیبایی‌شناسی کالبدی در برابر زیبایی‌شناسی روان شناسانه: «لوتیان» در تحقیقاتی که به انجام رسانده است ویژگی هر کدام از این نگرش‌ها را در قالب پارادایم‌های کالبدی و روان شناسانه شرح داده است:

در پارادایم کالبدی زیبایی یک ویژگی فیزیکی ذاتی است؛ ارزیابی آن توسط معیارهای کاربردی ممکن است؛ ذهنیت در عینیت ارائه شده است. و در پارادایم روان شناسانه زیبایی از چشمان بیننده سرچشمه می‌گیرد؛ ارزیابی توسط معیارهای روان شناسانه انجام می‌شود؛ ارزیابی عینیت از طریق ذهنیت است. پارادایم کالبدی یک ارزیابی عمل‌گرا از کالبد مناظر است که اغلب در مدیریت مناظر شهری به کار می‌رود و پارادایم روان شناسانه با هدف در پاسخگویان و به عنوان ابزاری برای تشخیص عوامل کلیدی مؤثر در کیفیت مناظر مطرح شده است (کریمی مشاور، ۱۳۹۲، ۴۹).

زیبایی‌شناسی کارشناس محور در برابر زیبایی‌شناسی مردم محور: تاریخ بررسی زیبایی‌شناسی، حکایت از جدل میان شیوه‌های مبتنی بر کارشناس و مبتنی بر مردم دارد. شیوه‌های مبتنی بر نظر کارشناسان یا طراحان در میان شیوه‌های مدیریتی محیط رواج دارد و شیوه‌های مبتنی بر مردم در تحقیقات. شیوه کارشناسان در واقع ترجمه ویژگی‌های فیزیکی مناظر شهری به پارامترهای رسمی طراحی (فرم، خط، وحدت، و غیره) است (کریمی مشاور، ۱۳۹۲، ۵۰).

جدول ۲- تقابل رویکردهای متفاوت در زیبایی‌شناسی شهری. مأخذ: کریمی مشاور، ۱۳۹۲.

تقابل رویکردهای زیبایی‌شناسی شهری در منظر شهری	
زیبایی‌شناسی عینی (objective aesthetic)	زیبایی‌شناسی ذهنی (subjective aesthetic)
زیبایی‌شناسی کالبدی (physical aesthetic)	زیبایی‌شناسی روان شناسانه (psychological aesthetic)
زیبایی‌شناسی کارشناس محور (expert aesthetic)	زیبایی‌شناسی مردم محور (public preferences)

مهم‌ترین شاخص‌های زیباسازی شهری که در تعامل با حوزه مدیریت شهری است عبارتند از:

کیفیت عالی طراحی: این شاخص‌ها عبارتند از:

- آرایش ساختاری قوی: تشخیص اصول طراحی و بخش‌های مختلف آن مثل معماری برجسته
- ارتباط آشکار کل به اجزا: از نظر فرم، رنگ، ابعاد، اندازه، کیفیت مواد، گرافیک طرح
- پیروی از قواعد مشخص طراحی و سبک شناسی (انسجام طرح)
- دقت و وضوح عناصر: تغییرات فرم، تضادهای ظاهری، رنگ و نوشتار، تناسبات طراحی
- دارای هماهنگی: با روش تولید، استفاده کننده، تعمیر و نگهداری
- طراحی منطقی: انتخاب مواد مناسب، فرآیند تولید و کاربردهای طرح
- زیبا شناسی پر معنا و با ارزش (بدون آشفتگی بصری)

انگیزش احساس و هوش: این شاخص عبارت است از: تأثیری همه جانبه به منظور به وجود آوردن حالات زیر برای بیننده و استفاده کننده: تحریک احساس، رضایت و سرزندگی، میل به خوش طبعی و شادی، در صورت لزوم حس کنجکاوی را بیدار می‌کند، اشتیاق به بازی و خلاقیت، طرحی که نوعی شناسایی و هویت را القا کند (بهزاد فر و دیگران، ۱۳۹۱، ۸۴).

مطالعه موردی

محلہ برج قربان با وسعت ۲۵ هکتار در جنوب شرقی شهر و مابین بلوار آیت الله مدنی و خیابان آیت الله طالقانی واقع شده است. محلہ برج قربان در محور تاریخ- فرهنگی و گردشگری همدان نیز قرار دارد. این محلہ قدیمی در منطقه سه طرح تفصیلی همدان که جزء بزرگترین منطقه‌ها از مناطق هفتگانه همدان است واقع شده است که در رینگ دوم و جنوب شرقی شهر مستقر شده است. این محلہ دارای بافتی قدیمی و عنصر با ارزش تاریخی برج قربان است که امروزه کارکرد توریستی و گردشگری خود را از دست داده است و محلہ از لحاظ ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی نیز عملکرد مطلوبی نداشته و فرسودگی آن چنین محلہ‌ی تاریخی‌ای را در معرض فراموشی قرار داده است. در این نقشه محلہ برج قربان با شماره ۳ نشان داده شده است و در قسمت‌ها و بخش‌های جنوب شرقی شهر واقع شده است (مهندسین مشاور توسعه خانه سازی ایران، ۱۳۸۲، ۴۱).



شکل ۱- محلہ بندی شهر همدان (مأخذ: طرح تفصیلی، ۱۳۵۸)



شکل ۲- عکس هوایی محدوده محلہ برج قربان



شکل ۳- عکس هوایی شهر همدان و محلہ برج قربان

یافته‌ها

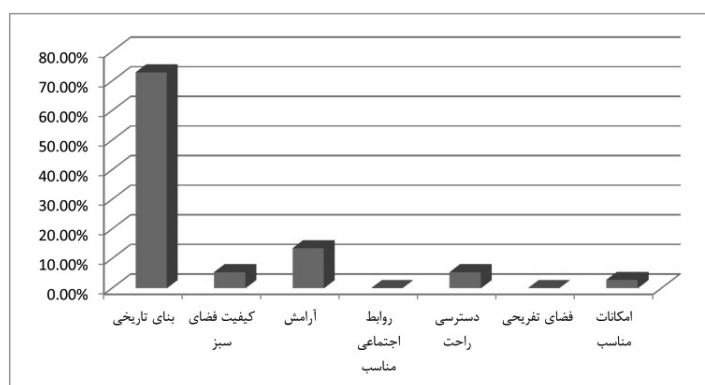
در بررسی‌های صورت گرفته پس از مطالعه پرسشنامه‌های توزیع شده در بین اساتید و کارشناسان و متخصصان مرتبط با تحقیق فرارو اطلاعاتی به دست آمده که، اکنون به پردازش نتایج به دست آمده می‌پردازیم. تعداد ۳۰ عدد پرسشنامه در بین اساتید و کارشناسان و متخصصانی که عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها یا مدرسان استان همدان هستند توزیع گردید. از این تعداد در میان آن‌ها تعداد ۱۱ نفر آنان دارای تحصیلات در زمینه طراحی شهری، تعداد ۵ نفر آنان دارای تحصیلات در زمینه معماری، ۱۲ نفر آنان دارای تحصیلات در زمینه برنامه‌ریزی شهری و ۲ نفر دارای تحصیلات در سایر زمینه‌های مرتبط با تحقیق حاضر می‌باشند. ۱۶ نفر از متخصصان زن و ۱۴ نفر آنان مرد می‌باشند. سابقه تدریس متخصصان از ۱ سال تا حدود ۱۴ سال متغیر است.

جدول ۳- بررسی پرسشنامه‌های توزیع شده

شماره	سوال	تعداد	درصد پاسخ
۱	آیا با محوطه برج قربان آشنایی دارید؟		
	آری	۳۰	۱۰۰
	خیر	۰	۰
۲	به نظر شما مهمترین وجه جالب و جاذب و عناصر زیبایی شناختی محله برج قربان چیست؟		
	بنای تاریخی	۲۷	۷۲/۹
	کیفیت فضای سبز	۲	۵/۴
	آرامش	۵	۱۳/۵
	روابط اجتماعی مناسب	۰	۰
	دسترسی راحت	۲	۵/۴
	فضای تفریحی	۰	۰
	امکانات مناسب	۱	۲/۷
۳	مهمترین مشکل بافت کهن محله برج قربان چیست؟		
	نا کارآمدی عرصه‌های موجود در بافت	۲۴	۳۷/۵
	فرسودگی و از کار افتادگی بافت	۲۳	۳۵/۵
	مشکلات اجتماعی و فرهنگی موجود در بافت	۱۷	۲۶/۵
	همه موارد	۰	۰
۴	آیا رویکرد بازآفرینی شهری را امری موثر در احیا و بهبود شرایط حاضر می‌پندارید؟		
	آری	۲۸	۹۳/۳۳
	خیر	۲	۶/۶۶
۵	کدام یک از محورهای موضوعی بازآفرینی را راه گشای حل مشکلات محله در نظر دارید؟		
	توجه بیشتر به حفاظت از محیط‌های تاریخی و نقش ساختارهای تاریخی در بازآفرینی شهری	۱۴	۳۶/۸۴
	استفاده از هنر(اصول زیباشناختی)، فرهنگ و گذران اوقات فراغت به عنوان محرک‌های برنامه‌های تجدید حیات شهری	۱۸	۴۷/۳۶
	توجه به اقدامات و برنامه‌های کیفی به موازات برنامه‌های کمی	۶	۱۵/۷۸
۶	علت موثر واقع شدن بازآفرینی شهری از دیدگاه شما چیست؟		
	سیاست‌ها و روند اجرایی بازآفرینی شهری، نشان دهنده گرایشات غالب اجتماعی و سیاسی است	۵	۱۳/۸۸
	توفیق در بازآفرینی مناطق شهری، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل موفقیت منطقه‌ای و حتی ملی محسوب می‌شود	۹	۲۵
	ایجاد تغییرات مثبت و پایدار جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در محدوده عملیات	۲۲	۶۱/۱۱

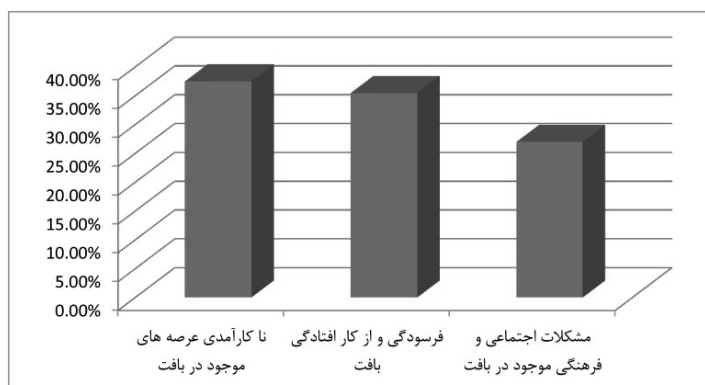
۷	چه مداخلاتی را در رویکرد بازآفرینی شهری کاراتر می‌دانید؟	
	مداخلات فیزیکی و کالبدی	۲۵
	مداخلات اجتماعی و فرهنگی	۴۷/۹۲
۸	کدام مداخله کالبدی شرایط بهتری را می‌تواند ایفا کند؟	
	تبدیل محیط تاریخی به منبعی مهم در فرآیند بازآفرینی	۱۸
	خلق فضاهای جدید در بافت	۹
	پرهیز از ساخت و سازهای تک عملکردی و تشویق ساخت پروژه‌ها با کاربری‌های متعدد و مختلط	۶
۹	کدام برنامه اجتماعی فرهنگی بهبود شرایط کنونی را موجب می‌گردد؟	
	تأکید بر اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی، تأمین امکانات اجتماعی به جای نوسازی‌های صرفاً فیزیکی	۱۱
	ایجاد همبستگی و یکپارچگی میان کلیه نقش‌آفرینان شهری و سایر گروه ذی‌نفع بر مبنای شراکت	۱۵
	تأکید بر همکاری نیروهای محلی با بخش خصوصی و گروه‌های داوطلب	۷

یافته‌های پژوهش راجع به سوال پیرامون مهمترین وجه جالب و جاذب و عناصر زیبایی شناختی محله برج قربان بدین صورت می‌باشد که ۷۲/۹٪ بنای تاریخی، ۵/۴٪ کیفیت فضای سبز، ۱۳/۵٪ آرامش، ۵/۴٪ دسترسی راحت و ۲/۷٪ امکانات مناسب را وجه جالب و جاذب محله برج قربان بیان داشتند.



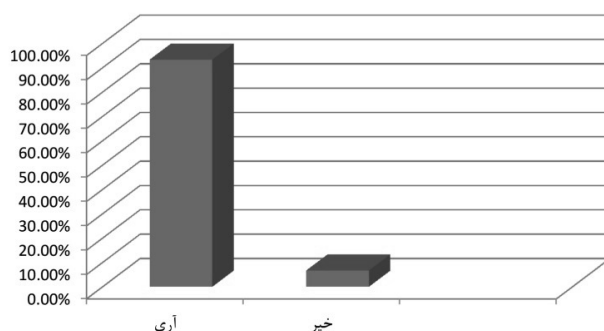
نمودار ۱: مهمترین وجه جالب و جاذب محله برج قربان

یافته‌های پژوهش در مورد سوالی که مهمترین مشکل بافت کهن محله برج قربان را جویا شده بود بدین صورت است که ۳۷/۵٪ ناکارآمدی عرصه‌های موجود در بافت، ۳۵/۵٪ فرسودگی و از کار افتادگی بافت و ۲۷٪ مسائل اجتماعی و فرهنگی موجود در بافت را از مشکلات بافت کهن محله برج قربان عنوان کردند.



نمودار ۲- مهمترین مشکل محله برج قربان

یافته‌های پژوهش در مورد سوال موثر دانستن رویکرد بازآفرینی شهری در احیا و بهبود شرایط حاضر مبنی بر این است که ۹۳/۳٪ آری و ۶/۷٪ بازآفرینی شهری را در بهبود شرایط حاضر موثر ندانستند.



نمودار ۳- موثر دانستن رویکرد بازآفرینی در امر احیا و بهبود شرایط حاضر

بررسی‌های پژوهش صورت گرفته پیرامون سوالی مهم‌ترین محور بازآفرینی شهری که راه گشای مشکلات است بدین صورت است که ۳۶/۸۴٪ توجه بیشتر به حفاظت از محیط‌های تاریخی و نقش ساختارهای تاریخی در بازآفرینی شهری، ۴۷/۳۶٪ استفاده از هنر و اصول زیبایی شناختی، فرهنگ و گذران اوقات فراغت به عنوان محرک‌های برنامه‌های تجدید حیات شهری و ۱۵/۸٪ توجه به اقدامات و برنامه‌های کیفی به موازات برنامه‌های کمی را مهم‌ترین محور بازآفرینی که می‌تواند راه‌گشای مشکلات شهری بافت حاضر باشد اظهار داشتند.



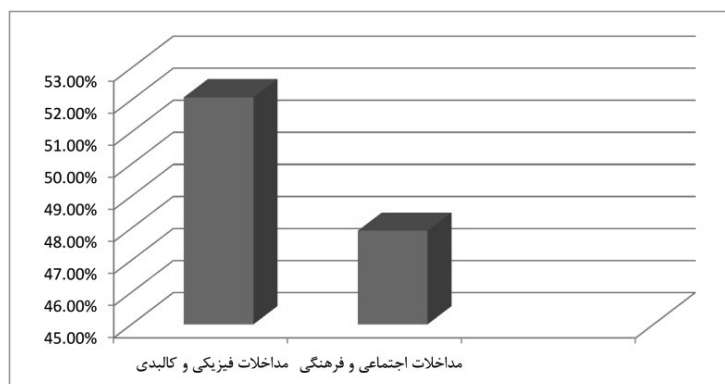
نمودار ۴- مهم‌ترین محور موضوعی رویکرد بازآفرینی شهری

یافته‌های پژوهش در مورد سوال علت موثر واقع شدن بازآفرینی شهری به این صورت است که ۱۳/۸۸٪ سیاست‌ها و روند اجرایی بازآفرینی شهری، نشان‌دهنده گرایشات غالب اجتماعی و سیاسی است، ۲۵٪ توفیق در بازآفرینی مناطق شهری، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل موفقیت منطقه‌ای و حتی ملی محسوب می‌شود و ۶۱/۱۲٪ ایجاد تغییرات مثبت و پایدار جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در محدوده عملیات دلیلی جهت مؤثر دانستن بازآفرینی شهری بیان نمودند.



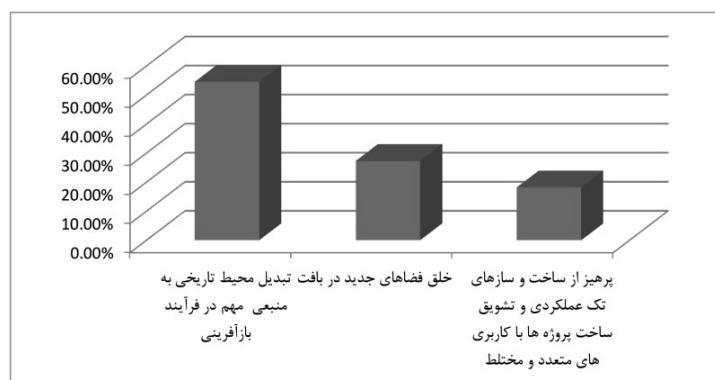
نمودار ۵- دلیل موثر واقع شدن بازآفرینی شهری

بررسی در مورد سؤالی مبنی بر کارآتر دانستن کدام یک از مداخلات بازآفرینی شهری، نتایج به این صورت به دست آمد که ۵۲/۰۸٪ مداخلات فیزیکی و کالبدی و ۴۷/۹۲٪ مداخلات اجتماعی و فرهنگی را دارای کارایی لازم جهت ایجاد شرایطی بهتر بیان داشتند.



نمودار ۶- بررسی کارایی مداخلات در بازآفرینی شهری

یافته‌های پژوهش پیرامون این که کدام مداخله کالبدی شرایط بهتر را ایجاد می‌نماید به این صورت است که ۵۴/۵۴٪ تبدیل محیط تاریخی به منبعی مهم در فرآیند بازآفرینی، ۲۷/۲۷٪ خلق فضاهای جدید در بافت و ۱۸/۱۹٪ هم پرهیز از ساخت و سازهای تک عملکردی و تشویق ساخت پروژه‌ها با کاربری‌های متعدد و مختلط را مداخله کالبدی مناسبی قلمداد می‌کنند.



نمودار ۷- بررسی مداخلات کالبدی در بازآفرینی شهری

بررسی‌های پژوهش در مورد سؤالی که مهم‌ترین برنامه اجتماعی بازآفرینی شهری که می‌تواند مؤثرتر واقع بشود به این صورت است که، ۳۳/۳٪ تأکید بر اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی، تأمین امکانات اجتماعی به جای نوسازی‌های صرفاً فیزیکی، ۴۵/۴۵٪ ایجاد همبستگی و یکپارچگی میان کلیه نقش‌آفرینان شهری و سایر گروه‌های ذی‌نفع بر مبنای شراکت و ۲۱/۲۵٪ تأکید بر همکاری نیروهای محلی با بخش خصوصی و گروه‌های داوطلب را برنامه اجتماعی مؤثر در بازآفرینی شهری بیان کردند.



نمودار ۸- مهم‌ترین برنامه اجتماعی بازآفرینی شهری

بحث

شاخص‌ترین و مهم‌ترین ویژگی محله برج قربان بنای تاریخی محله است که میراثی ارزشمند نه تنها برای محله بلکه برای شهر همدان محسوب می‌شود. ناکارآمدی عرصه‌های موجود در بافت همانطور که از نتایج بررسی‌ها معلوم است مشکلی است که سبب خارج شدن اهالی اصلی این محله در سال‌های اخیر گردیده است شرایطی که روز به روز وخیم‌تر شده و موجب تسهیل در فرسودگی محله برج قربان می‌گردد. لذا بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی جامع‌نگر که ارتقای کیفی فضاها شهری و بافت‌های کهن را در دستور کار دارد مهم‌ترین رویکردی است که می‌تواند به ایجاد و بازطراحی محله حاضر و معاصر سازی آن کمک کند. استفاده از هنر و اصول زیبایی‌شناختی، فرهنگ و گذران اوقات فراغت به عنوان محرک‌های امروزه برنامه «تجدید حیات شهری» و «بازآفرینی و حفاظت شهری» می‌تواند علاقه مردم را به این بافت ارزشمند و کهن شهر همدان که بنایی ارزشمند را در خود جای داده است جلب نماید و جلوه‌های بصری و منظره‌ی خوش برای بازدیدکنندگان آن یادگار بگذارد.

ایجاد تغییرات مثبت و پایدار جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در محدوده برج قربان اعم از تغییرات کالبدی جدید به همراه حفظ شرایط تاریخی آن ایجاد مجموعه چندعملکردی که بتواند سلاقی گوناگون را پاسخگو باشد از جمله این تغییرات است که شرایطی پایدار را هم برای این بافت تاریخی و هم برای بنای برج قربان ایجاد می‌کند. مداخلات فیزیکی و کالبدی خود باعث تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌شوند با طراحی مجموعه‌ای چند عملکردی پیرامون برج قربان تغییرات اجتماعی نیز به وسیله این اقدام کالبدی صورت می‌پذیرد. تبدیل محیط تاریخی به منبعی مهم در فرآیند بازآفرینی شهری مهم‌ترین مداخله کالبدی است که در بافت‌های کهن می‌باید انجام شود تا به احیای دوباره بافت خود منجر گردد. ایجاد مشارکت و یکپارچگی میان کلیه نقش‌آفرینان شهری و سایر گروه‌های ذی‌نفع، فرآیند بازآفرینی شهری را پویاتر و مؤثرتر می‌کند و شرایط مناسبی را برای نتیجه‌ای بهتر ایجاد می‌نماید.

نتیجه گیری

«بازآفرینی شهری» به عنوان فرآیند دائمی [نه مقطعی] یاد شده و فرسودگی امری همیشگی قلمداد گردیده است. نتیجه قابل توجه این است که بازآفرینی شهری یک راهبرد مداوم است که بنا بر شرایط موضع عمل خود را تعیین می‌کند. توجه به شهرسازی نرم و شکل دادن به مداخله‌های آگاهانه در چارچوب استخوان بندی اصلی شهر، بازگذاشتن امکان استفاده آزاد شهروندان در آن مورد توجه درآمده است. توجه به کارکرد مجموعه‌ها به وجود آمده، تزریق فعالیت‌های جدید در آمیزه‌ای از ساختارهای کالبدی قدیم و جدید، ایجاد فضاهای متنوع برای استفاده‌های متنوع شهروندان، حفاظت از کلیت تاریخی - مفهومی شهر قابل بازیابی است. ساخت این طرح‌های جدید و جایگزین کردن عناصر شهر کلاسیک با هم ارزی قرن بیست و یکمی و یا تغییر کاربری (بازآفرینی کارکردی) و ارتقاء برخی از آنها به عنوان عاملی جهت دهنده به توسعه‌های شهری و رونق دهنده به اقتصاد نوین شهر شناخته می‌شود.

بازآفرینی صرفاً پرداختن به مقوله‌های کالبدی در یک بافت قدیمی - با توجه به اهمیت آن در ساختار شهر که معمولاً شکل‌گیری اولیه آن از آنجا نشأت گرفته کافی نمی‌داند، هر چند که رفع مشکلات کالبدی موجود در این گونه بافت‌ها از اولویت و اهمیت برخوردار است و به عنوان نیازهای کلیدی برای یک زندگی شهری آسوده، باید مورد توجه قرار گیرند، اما این تنها مشکل این گونه بافت‌ها نیست، بلکه مسأله اصلی، به دور ماندن آن‌ها از حیات اجتماعی مردم است که سابقاً در آن‌ها جریان داشته و اکنون با کم رنگ شدن آن، ساکنان قدیمی و اصیل، دیگر دلیلی برای سکونت در آن نمی‌بینند و جای خود را به اقشار پایین اقتصادی که به دنبال مسکن ارزان قیمت هستند، می‌دهند. ترک ساکنان قدیمی و سکونت اقشار جدید بیگانه با این بافت، باعث کاهش حس تعلق مردم به یکدیگر و به بافت شهری، کم رنگ شدن سر زندگی و حیات مدنی و ملاقات‌های چهره به چهره مردم و به دنبال آن بروز بحران‌های اجتماعی می‌گردد. از طرفی این گونه بافت‌ها دارای ارزش‌های کالبدی هستند که زمانی هویت‌بخش آن بوده‌اند و به دلیل منحصر به فرد بودن، این بافت‌ها را از دیگر قسمت‌های شهر متمایز می‌کرده‌اند، اما اکنون کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شوند و دیگر اثری از ارزش‌های گذشته باقی نخواهد ماند. شناسایی و لحاظ کردن این ارزش‌ها در مرمت شهری که تنها میراث باقی مانده از گذشته تاریخی آن‌ها هستند، باعث می‌گردد که بافت نوسازی شده، در واقع معاصر شده همان بافت قدیم باشد که هم جواب‌گوی نیازهای امروزین شهروندان است و هم تداعی‌گر هویت و ارزش‌های گذشته برای ساکنان بازآفرینی، احیاء ارزش‌های کهن را که حیات اجتماعی بافت را نیز شامل می‌شود، به عنوان بحث مکمل در کنار احیاء و مرمت کالبدی بازگرداننده حیات به این گونه بافت‌ها می‌داند و فضای شهری را به عنوان بستری که از یک طرف زمینه ساز رویارویی مردم و تعاملات آن‌ها با یکدیگر و از یک طرف مکانی مناسب برای احیاء ارزش‌های کالبدی است در باز آفرینی بافت‌های قدیمی ابزاری قدیمی تلقی می‌کند. این که بر اساس چه رویکردی باید زیبایی‌شناسی شهری انجام شود، پرسشی است که شرایط مدیریتی یک شهر پاسخ آن را تعیین می‌کند. البته مشخص است که زیبایی‌شناسی بر اساس نظر مردم بهتر است. اما نکته حائز اهمیت اینجاست که انجام پژوهش بر

اساس نظر مردم نیاز به جمع‌بندی توسط کارشناسان و متخصصین و ارائه در قالب پیشنهادات کالبدی و فضایی دارد. از این رو لازم است از رویکردهای متفاوت زیبایی‌شناسی در مواقع مناسب استفاده شود. در رابطه با روش‌های زیبایی‌شناسی نیز می‌توان اذعان داشت که در زمان دورتر، روش‌های مستقیم (نظر مردم) و غیر مستقیم (تحلیل شدت تکرار اجزاء در مناظر شهری) به عنوان شیوه‌های اصلی زیبایی‌شناسی مطرح بوده‌اند. اما امروزه به دلیل پیشرفت فنون تصویرسازی و آماری دیگر لازم نیست این دو روش از هم مجزا باشند و از این رو پیشنهاد این تحقیق استفاده هر دو و ایجاد روشی ترکیبی است که شرایطی بهتر در روند اجرا و فرایند بازآفرینی بافت کهن را به وجود آورده و موجب دمیدن روحی تازه در آن گردد.

در پایان اصولی جهت بازآفرینی شهری پیشنهاد می‌شود که عبارتند از: سرمایه‌گذاری فعال روی هسته‌های تاریخی شهر؛ استفاده مؤثر از رویدادهای فرهنگی؛ بهره‌گیری از ویژگی‌های طبیعی در طراحی؛ استفاده مجدد از میراث معماری و ساختمانی؛ تکوین برنامه‌ریزی مشارکتی؛ توانمندسازی ساختارهای کالبدی قدیمی؛ رفع گسست‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی.

فهرست مراجع

- ۱- ایزدی، سعید (۱۳۸۰)، معرفی پایان نامه محور تاریخی نقش جهان - پل خواجه؛ عرصه‌ای برای فعالیت‌های اجتماعی، هفت شهر (فصلنامه ی عمران و بهسازی شهری)، سال دوم، شماره ی سوم.
- ۲- ایزدی محمد سعید، فیضی رضا (۱۳۹۰)، بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- ۳- بهزادفر مصطفی، ایلکا شاهین، ایلکا شهاب (۱۳۹۱)، رویکردی تحلیلی بر تبارشناسی زیبایی‌شناسی شهری در تعامل با ساختار مدیریتی شهر؛ بررسی و پیمایش جهانی با ارائه راهکارهای راهبرد ی و اجرایی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۹۱.
- ۴- حبیبی محسن، مقصوده ملیحه (۱۳۸۱)، مرمت شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- حناچی، پرویز (۱۳۸۴)، سخن نخست، فصلنامه ی شهرسازی و معماری آبادی، سال پانزدهم، شماره ی ۴۹.
- ۶- حناچی، پرویز، خادم زاده، محمدحسن، شایان، حمیدرضا، کامل نیا، حامد، مهدوی نژاد، جواد (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان بانگاه ویژه به بافت تاریخی شهریزد، تهران: انتشارات سبحان نور با همکاری پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- ۷- صحنی زاده مهشید، ایزدی محمد سعید. (۱۳۸۳)، حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟ فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، سال چهاردهم، شماره ۴۵.
- ۸- گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۶)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. چاپ سوم
- ۹- لطفی، سهند (۱۳۹۱)، تبارشناسی بازآفرینی شهری، انتشارات آذرخش. چاپ اول.
- ۱۰- کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۲) رویکردها و روشها در زیبایی‌شناسی شهری، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۴، سال دهم، پژوهشکده نظر.
- 11- ROBERTS, P.W. & SYKES, H. (2000) (Eds.) *Urban regeneration: a handbook*. London, Sage